تأمّلی بر نخستین تألیفات «تاریخ قرآن»: میرزا قلیچ بیگ و کتاب «تواریخ القرآن و الحدیث» ـ قاسم شهری، رضا عرب بافرانی
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۷۲ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، پاییز ۱۴۰۰، ص ۶۲-۷۶

تأمّلی بر نخستین تألیفات «تاریخ قرآن»: میرزا قلیچ بیگ و کتاب «تواریخ القرآن و الحدیث»

قاسم شهری*
رضا عرب بافرانی**

چکیده: تاریخ قرآن که در گذشته ذیل عنوان علوم قرآنی مورد بحث قرار می‌گرفت، در تألیفات و نگارش‌های قرآن پژوهان عصر حاضر، عنوانی مستقل یافته و به عنوان موضوعی مستقل مورد بحث و نظر قرار گرفته است. امّا اینکه نخستین نگارش در این زمینه از آن کیست میان دانشمندان و قرآن پژوهان مسلمان اختلاف نظر وجود دارد؛ مشهور بر آن است که تئودور نولدکه در بین مستشرقین نخستین فردی است که در این زمینه تألیف داشته و برای نخستین بار این اصطلاح را در قالب نگارشی مستقل به کار برده است. اولین نفر در میان دانشمندان مسلمان، ابو عبد الله زنجانی (۱۳۲۰ ش) می‌باشد.

امّا آنچه در این میان مورد غفلت قرآن پژوهان قرار گرفته، چشم پوشی از میراث ارزشمند و گرانسنگ اسلامی در شبه قاره هند و پاکستان است. از جمله این مواریث، کتاب تواریخ القرآن و الحدیث مرحوم شمس العلماء میرزا قلیچ بیگ (۱۲۷۰ هـ/۱۸۵۳ م- ۱۳۴۸ هـ/۱۹۲۹ م) است که سال‌ها قبل از تألیف مرحوم زنجانی سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ قرآن؛ شمس العلماء میرزا قلیچ بیگ؛ نولدکه؛ بوتیه؛ گوستاو وایل.

*. محقق و پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه، مشهد مقدّس Danesh.hamrah@gmail.com
**. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدّس Arabbafrani.135@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

طرح مسأله

آشنایی با پیشگامان هر دانشی موضوعی است که می‌توان از طریق آن سیر تحوّل آن دانش را بررسی نموده و میزان تأثیر و تاثّر آن را مورد پژوهش قرار داد. از جمله این دانش‌ها، تاریخ قرآن است که در نگارش‌های دانشمندان پیشین اسلامی به عنوان بحثی وابسته و ذیل عنوان «علوم قرآنی» بحث شده است. امّا در عصر کنونی تألیفاتی مستقل در این باب از جانب مستشرقین و قرآن‌پژوهان مسلمان سامان یافته است.

در اینکه اوّلین نگارش در این زمینه از کیست اختلافاتی وجود دارد که پژوهش حاضر به بیان سه تألیف در این زمینه می‌پردازد که از ج. بوتیه[1]، و گوستاو وایل[2] و شمس العلماء میرزا قلیچ بیگ[3] می‌باشد.

نکته مهم در این پژوهش این است که تألیفات بوتیه و فایل قبلاً توسّط برخی از قرآن پژوهان مسلمان به عنوان اثرهایی که قبل از «تاریخ قرآن» نولدکه قلمی شده‌اند، گزارش شده امّا اثر شمس العلماء میرزا قلیج بیگ تاکنون مورد غفلت واقع شده بود.

مقدّمه

تاریخ قرآن در اصطلاح رشته نسبتاً جدیدی است که به گفته برخی از محقّقان، دانش مباحث مربوط به توصیف و تحلیل سرگذشت جمع و تدوین قرآن مجید از آغاز نزول وحی تا سیر هزار و چهار صد ساله کتابت و طبع آن در عصر جدید را در بردارد. (خرّمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۵۸) نیز مباحثی همچون داستان چگونگی آغاز وحی و نزول قرآن، کم و کیف سوره‌های مکی و مدنی، ترتیب سور و اسباب

1. G.PAUTHIER (م 1800- 1883).
2. GUSTAV WEIL (م 1808- 1889).
۳. از جناب حجّه الاسلام و المسلمین آقای علی باقری – مسؤول محترم زائرین غیر ایرانی آستاق قدس رضوی – و عزیزان سازمان فرهنگ و ارتباطات خراسان رضوی بابت تلاشهایشان جهت تهیّه مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ سپاسگزاریم.

نزول، اسامی و اوصاف قرآن، کاتبان وحی، قاریان و قرائات، جمع‌آوری و تدوین قرآن، مصاحف و اختلاف آن، رسم الخط، تحریف، ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر، و موضوعاتی چون امکان ترجمه قرآن و دیدگاه موافقان و مخالفان آن، و ... در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. (سپهری، ص ۱۲۸)

تاریخ قرآن رشته‌ای کلان، جامع، فنّی، علمی، کاربردی و فراگیر در مجموعه علوم قرآنی است. برخی برآنند که این عنوان چشم انتظار جایگاه در خور و پایگاه مطلوب خود مانده است و با آن قیافه قدّ و قواره وارداتی خود که در جهان اسلام مورد قبول واقع شد، رشدش متوقّف شده و با وجود عمر چندین دهه آن، سنّ و سالش بالا نرفته و از دوران کودکی و نوجوانی خود درنیامده است. (دروزه، ۱۳۹۱، مقدّمه مترجم، ص ۵)

البتّه با مراجعه به منابع تاریخی و علمی روشن می‌شود که مباحث تاریخ قرآن، مباحث جدیدی نیست بلکه این مباحث قرن‌ها میان دانشمندان مسلمان مورد بحث قرار گرفته است، و منشأ آثار متنوّعی نیز شده است، امّا قدمای دانشمندان مسلمان همه علوم و اطلاعات مرتبط با قرآن را ذیل «علوم قرآنی» مورد بحث قرار داده‌اند، و در عصر کنونی بخشی از تحقیقات مربوط به قرآن با عنوان «تاریخ قرآن» مورد توجه قرارگرفته است. (ر.ک: رامیار، ۱۳۸۴، ص ۱۰)

بنابراین آنچه با عنوان اصطلاحی تاریخ قرآن تألیف و انتشار یافته، کتابهایی هستند که با فهرست نسبتاً مشابه و یکنواخت به مسأله و مبحث جمع قرآن کریم در زمان پیامبرﷺ و خلفای بعد از ایشان می‌پردازند. (دانشمند، ص ۵۴)

اصطلاح «تاریخ قرآن» از اصطلاحات نوپیداست که در صد ساله اخیر رواج یافته است. این اصطلاح در نوشته‌های پیشینیان با عنوان «شناخت قرآن» مطرح شده است. این آثار بیشتر به وصف مصاحف اوّلیّه پرداخته و ویژگی‌های آنها را بازگو

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

کرده، و نام «المصاحف» را به خود گرفته است. (معرفت، ۱۳۸۶، ص ۲)

در دوران و عصر جدید تحقیقات تئودور نولدکه[1] نقطه عطفی در شناخت و نگارش تاریخ قرآن است که مورد توجّه قرآن پژوهان مسلمان قرار گرفت. این مطلب بیانگر آن است که کتابهای تاریخ قرآن در صدد پاسخگویی به شبهاتی بودند که در مستشرقین به مطالب و روایات وارده در تاریخ تدوین قرآن وارد کرده‌اند. و از آنجا که اروپاییان این اصطلاح را وضع کرده‌اند چنین وضعی – حتّی اگر دارای اغراض خاص نباشد – حاکی از نقطه نظر و دیدگاه خاص آنان نسبت به قرآن است و در نتیجه حساسیت‌های موافقانه و مخالفانه‌ای نسبت به آن پدید آمده است. (خرمشاهی، ج ۱، ص ۴۵۹)

مرز تمایز «علوم قرآنی» و «تاریخ قرآن» کجاست، پرسشی که هنوز پاسخ دقیقی در مقابل آن وجود ندارد، زیرا در کتب موجود «علوم قرآنی» و «تاریخ قرآن» نوعاً مباحثی دیده می‌شود که در شمار مسائل دانش و کتاب دیگری قرار دارد.

البتّه اگر بتوان عنصر شاخصی در تمایز دو علم «علوم قرآنی» و «تاریخ قرآن» در نظر گرفت، آن عنصر، عنصر زمان است؛ به عبارت دیگر آن دسته از مباحث مرتبط با قرآن که به نحوی با عصر و زمان خاصی ارتباط پیدا می‌کند - از جمله تاریخ نزول وحی، جمع و تدوین قرآن در دوره‌های مختلف، رسم الخط قرآن، و سیر تحول آن، و ... - از موضوعات «تاریخ قرآن» است، و آن گروه از تحقیقات قرآنی که بدون ارتباط با زمان خاصی قابل انجام است - از جمله بحث محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مفهوم و منطوق، عام و خاص، دلالت قرآن، اعجاز قرآن، و وجوه آن، و ... - در حوزه موضوعات علوم قرآنی قرار می‌گیرد. (معارف، ۱۱۸-۱۱۹؛ برای تعاریف مختلف علوم قرآنی ن.ک: مهدوی راد، ۱۳۸۴، ۷ -۱۲)

1. Theodore Noldeke (1836- 1930)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

در این میان کتبی چون «تاریخ القرآن» به مروزی (درگذشته ۲۷۴ هـ) و «تاریخ القرآن» به علی بن عیسی بن داود بن جراح نیز نسبت داده شده است که در نام این دو کتاب تصحیفی رخ داده و اشاره‌ای به مباحث تاریخ قرآن ندارند. (مهدوی راد، ۱۳۸۴، ۲۲۸-۲۳۱)

زوایای بحث در تاریخ قرآن

پژوهشگران درباره تاریخ قرآن از دو زاویه بحث نموده‌اند:

۱. عده‌ای برای تاریخ قرآن به صورت مستقل موضوعیّت قایل شده و به صورت مفصّل یا مختصر به تحقیق پرداخته‌اند، این عدّه آثار خود را معمولاً با عناوین «تاریخ قرآن» و «سرگذشت قرآن» و گاه با عنوان «مباحثی از علوم قرآن» منتشر کرده‌اند.

۲. برخی به صورت استطرادی و گذرا درباره پاره‌ای از مباحث تاریخ قرآن به بحث پرداخته‌اند، هدف این گروه در درجه نخست تاریخ قرآن نبوده است. به عنوان نمونه سیّد ابوالقاسم خویی در بحث «صیانت قرآن از تحریف» به بررسی اخبار جمع قرآن پرداخته است. (خویی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷) یا سیّد محمّدحسین طباطبایی در تفسیر آیه ۹ سوره حجر بحث دراز دامنی از مسائل جمع و تدوین قرآن نموده است. (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۱۱۸- ۱۳۲)

از جمله کتبی که با چنین رویکردی به تاریخ قرآن پرداخته‌اند می‌توان به «القرآن الکریم و روایات المدرستین» سیّد مرتضی عسکری، و «تدوین القرآن» علی کورانی عاملی و «قرآن در اسلام» سیّد محمّدحسین طباطبایی اشاره نمود. (ر.ک: معارف، ۱۲۱-۱۲۲)

عنوان «تاریخ قرآن»

در مورد اینکه چه کسی نخستین بار عنوان «تاریخ قرآن» را به کار برد نظرات متفاوتی وجود دارد که می‌توان از دو زاویه مورد بررسی قرار داد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

۱. در میان مستشرقین:

برخی برآنند که این عنوان برای نخستین بار توسط تئودور نولدکه و رژی بلاشر[1] پیشنهاد شده است. (خرمشاهی، ج ۱، ص ۴۵۸؛ همو، ۱۳۸۲، ص۱۰) این نظر در تحقیقات دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (مهدوی راد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳؛ رحیمی ریسه، ص ۱۶-۳۰؛ محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۹؛ بهشتی، ۱۳۷۵، ج ۶، ۲۴۰)

برخی دیگر معتقدند بکارگیری این عنوان از جانب مستشرقین با حسن نیّت همراه نبوده است. آنان با استفاده از این عنوان می‌خواسته‌اند چنین وانمود کنند که قرآن نیز مانند دیگر کتب آسمانی که فعلا موجودند، سالها پس از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گردآوری شده و از نظر تاریخی پدیده‌ای مبهم و مغشوش است. و مستشرقین در صدد این بوده‌اند که پرتو تحقیقات تاریخی وضع قرآن را روشن سازند، چنانکه همین کار را نسبت به تورات و انجیل انجام داده‌اند. (ر.ک: معارف: ۱۲۰)

برخی معتقدند کلّاً هدف علمی از پژوهش‌های قرآن کریم و میراث عربی یکی از سالم‌ترین انگیزه‌ها و شریف‌ترین اهداف مستشرقان بوده است. بسیاری از مستشرقان زبان عربی را به عنوان زبان فرهنگ، ادب، و تمدن لمس کرده‌اند و قرآن را نقطه اوج این زبان دانسته و با انگیزه‌های علمی و تنها به خاطر آگاهی از قرآن و لذّت بردن از آن به کاوش و پژوهش در آن پرداخته‌اند و آثار بزرگ و قابل ستایشی قلمی نموده‌اند. هر چند این قضاوت جنبه عمومی ندارد و موارد نادری نیز وجود دارد امّا می‌توان ادّعا نمود که در مورد بیشتر مستشرقان صحیح است. (صغیر، ۲۵- ۲۶)

وی سپس چنین نتیجه می‌گیرد که وظیفه در مقابل آثار و تلاش‌های مستشرقان در مورد پژوهش‌های قرآنی موضع احتیاط است، زیرا آنها معمولاً می‌خواهند قرآن

1. Regis Blachere.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

را از طریق راه‌ها و شیوه‌ها و استنتاجات خود که از فهم اصیل قرآنی به دور است مقهور سازند. نیز در مورد تلاش‌های تاریخ قرآنی آنها که مدّعی تحریف قرآن شده‌اند باید به دقّت نگریست تا دچار لغزش‌ها و خطاها و خلط‌های آنها نشده و با بررسی انتقادی جهت رسیدن به حقیقت علمی محض به تلاش‌ها و تألیفات آنها نگریست. (صغیر، ۲۶- ۲۷)

برخی نیز بدون استعمال این عنوان، وجود تاریخی برای قرآن را قبول نموده و معتقدند که این تاریخ بسیار روشن و آشکار و بدون ابهام است، و قرآن نباید در اعتبار و ثبوت واقعیت خود نیازمند تاریخ باشد اگر چه تاریخش هم روشن است. (طباطبایی، ص ۱۶۶)

به هرجهت اصطلاح «تاریخ قرآن» در میان محقّقان مسلمان مقبولیّت خود را پیدا کرده و به عنوان نام کتاب، جهت پاره‌ای از پژوهش‌های قرآنی به کار گرفته شده است.

در محلّ بحث ما نکته‌ای که مورد غفلت واقع شده این است که چه در میان مستشرقین و چه در میان دانشمندان و عالمان مسلمان، تألیفات و نگارش‌هایی وجود دارد که از نظر زمانی مقدّم بر اثر نولدکه و ابو عبدالله زنجانی است.

امّا در میان مستشرقین می توان از افراد زیر نام برد:

۱. ج. بوتیه: وی که فرانسوی است، زمانی بس طولانی را به تدریس تاریخ قرآن پرداخته که حاصل تحقیقات وی در سال ۱۸۴۰ م در پاریس منتشر شده است. البتّه پژوهشهای وی در این باب نه کامل، و نه دقیق بوده است[1]. (صغیر، ص ۳۲)

۲. سیمون (یا گوستاف) وایل: وی مستشرقی آلمانی و یهودی مذهب است. کتاب

۱. در منابع یاد شده نامی از اثر وی به میان نیامده اما با توجه به اینکه دکتر الصغیر نام وی را در پیشینه تحقیقات تاریخ قرآن ذکر نموده، چنین می‌نماید که اولین تاریخ قرآن نویس بوده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

وی «مقدمه تاریخیه نقدیه الی القرآن» نام دارد که در سال ۱۸۴۴م در ۲۱+(۲) صفحه به چاپ رسیده است، که در آن از جمع قرآن و تسلسل تاریخی سور و آیات بحث می‌نماید. (بدوی، ص ۳۹۰) امتیاز مباحث وی شمولیت موضوع و شناخت روش تاریخی است، هر چند با توجّه به یهودی بودنش، رگه‌هایی از فرهنگ تلمودی نیز در آن وجود دارد. وی برای اوّلین بار سور مکّی را به سه قسمت تقسیم نمود که نولدکه نیز آن را از وی گرفت. (صغیر، ص ۳۲- ۳۳)

محمّدی اوّلین اثر در تاریخ قرآن را از نولدکه می‌داند. (محمّدی، ۱۳۸۵، ص ۱۹) خرمشاهی آن را یکی از نخستین تواریخ قرآن مسلمانان در عصر جدید می‌داند. (خرمشاهی، ج ۱، ص ۴۸۵)، اما وی در جایی دیگر اثر نولدکه را به اذعان همه قرآن پژوهان غربی، نخستین اثر در عصر جدید ذکر می‌کند. (بل، ۱۳۸۲، ص ۱۰)

بهشتی این اثر را در زمره نخستین و بهترین کتب در اروپا در این موضوع می‌داند. (بهشتی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۴۰)

چنین به نظر می‌رسد که با توجه به ملیت وایل، نولدکه در انتخاب و نگارش تاریخ قرآن خویش از وی اثر پذیرفته باشد چنانکه نمونه‌ای از این اثرپذیری در تقسیم سور مکّی گزارش شد.

در میان مسلمان‌ها:

اینکه چه کسی نخستین تألیف را در «تاریخ قرآن» میان مسلمان‌ها انجام داده دقیقاً مشخّص نیست. به عقیده برخی از محقّقان نخستین بار در کتب اسلامی این عنوان از طرف ابو عبدالله زنجانی (درگذشته ۱۳۲۰ ش) انتخاب شد. (رامیار، ۱۳۸۴، ص ۱۰؛ محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۹) هر چند محمّدی در جای دیگر اثر خویش از اینکه جایگاه نگارش ابوعبدالله زنجانی دوّمین اثر در میان نگارش‌های تاریخ قرآنی باشد با احتمال یاد کرده است. (محمّدی، ۱۳۸۵، ص ۲۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

برخی دیگر نگارش زنجانی را یکی از نخستین تواریخ قرآن مسلمانان در عصر جدید می‌دانند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۵۸)

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در میان مؤلّفان و دانشمندان مسلمان ترکستانی اوّلین کسی است که این عنوان را به کار برده است. کتاب وی با عنوان «تاریخ القرآن و المصاحف» اثری متعلّق به سال ۱۳۲۳ هـ است که همراه با «مع عقیله أتراب القصاید» منتشر شده است، و ظاهراً نخستین کسی است که در میان مؤلّفان اسلامی این عنوان را به کار برده است، در صورتی که تاریخ قرآن ابو عبدالله زنجانی حاصل سفر وی به قاهره در سال ۱۳۵۴ هـ بوده است. البتّه اثر ترکستانی در دست نیست تا بتوان در باره آن اظهار نظر نمود. (مهدوی راد،۱۳۸۴، ص ۲۳۴)

امّا تاریخ قرآن زنجانی با اینکه اثری به نسبت مختصر است، امّا میان دانشمندان مسلمان با حسن استقبال مواجه شده، و غالباً منشأ اثر بر دیگر آثاری شد که در این زمینه سامان یافته است. (اطلاعات بیشتر ر.ک : معارف، ص ۱۲۱)

شمس العلما میرزا قلیچ بیگ

امّا از شخصیت‌هایی که اثر وی در موضوع «تاریخ قرآن» مورد غفلت واقع شده است، شمس العلماء میرزا قلیچ بیگ است.

شمس العلماء میرزا قلیچ بیگ در ۴ اکتبر ۱۸۵۳ م/ ۱۲۷۰ هجری قمری در محله «تندوتورو[1]» حیدر آباد سند متولّد شد. (غلام نبی مقال، مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ، ۲۰۰۹، ص ۹۷؛ مهر افروز حبیب میرزا، مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ، ۲۰۰۹، ص ۱۰۶)

وی در یک قطعه شعری، تاریخ ولادت خویش را چنین سروده:

من چو زادم والد مرحوم من شد خوش یقین
شکر گفت: الحمد لله رب العالمین

1. Tando Thoro.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

فال نیک از من گرفت و طالعم هم دید سعد
آن محرم ماه بُد تاریخ بوده چارمین
بهر تاریخ ولادت «نیک منظر»[1] ماده یافت

(لناری، ص ۲۰۵- ۲۰۶)

وی سومین پسر میرزا فریدون بیگ گرجی بود. پدر وی و پدر بزرگ مادری‌اش (میرزا خسرو بیگ گرجی) با خانواده نجیب شهر تفلیس (پایتخت گرجستان) نسبت داشته‌اند. (مهر افروز حبیب میرزا، مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ، ۲۰۰۹، ص ۱۰۶)

خانواده میرزا قلیچ بیگ اصلاً از گرجستان برخاسته‌اند. پس از شورش علیه پادشاه روسیه، پدرش فریدون بیگ همراه خسرو بیگ به ایران آمد. خسرو بیگ در تهران ماند و فریدون بیگ در تبریز ساکن شد و بعدها به اصفهان رفت. در زمان فرمانروایی میر کرم علی خان تالپر (درگذشته ۱۲۴۴ هـ/ ۱۸۲۸م) میرزا فریدون بیگ و میرزا خسرو بیگ به سند آمدند. در سال ۱۸۰۶م میر کرم علی خان تالپر که فرزند نداشت، خسرو بیگ را فرزند خود خواند، و به تربیت او همّت گماشت. میرزا خسرو بیگ در سال ۱۸۶۰ م درگذشت و فریدون بیگ (پدر میرزا قلیچ بیگ) در سال ۱۸۷۱ م درگذشت. (لناری، ص ۲۰۳؛ و ر.ک: ریحانه افسر، مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ، ۲۰۰۹، ص ۲۹)

وی می‌گوید: «پدرم فریدون، پدر بزرگ مادری‌ام خسرو و نام من قلیچ است، نیاکان من نام پادشاهان داشتند اما من خود فقیری بیش نیستم.» (فرزانه پور، ص ۹۲)

به علت نسبت به گرجستان این خانواده را گرجی میرزا می‌نامیدند. زبان عمومی این خانواده تا عصر حاضر فارسی است. (لناری، ص ۲۰۴) این نام (گرجی میرزا) از آثار وی نیز به دست می‌آید به گونه‌ای که گرجی نامه وی مجموعه اشعار فارسی

۱. ۱۲۷۰ هـ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

وی است. (لناری، ص ۲۰۹)

وی تحصیلات ابتدایی را از دبستان سندی حیدرآباد سند آغاز کرد و در سال ۱۸۷۲ م از دانشگاه بمبئی دیپلم گرفت و در همان سال به عنوان معلم فارسی مأمور دبیرستان دولتی حیدرآباد شد. سپس در سال ۱۸۷۳ م برای دوره لیسانی در بمبئی ثبت نام نمود. در سال ۱۸۷۸ م به حیدرآباد بازگشت و در همین سال به عنوان معلم فارسی به کراچی رفت. وی زبان‌های فارسی و عربی را از پدر خود آموخته بود و در مدّت اقامت در بمبئی زبان‌های ترکی و گجراتی و سانسکریت و مراهتی را هم آموخت. (لناری، ص ۲۰۴)

وی در سال ۱۸۷۹ م در امتحان مختار کار و قاضی دادگاه پذیرفته شد و تا سال ۱۸۹۶ م در شهرهای مختلف استان سند مأموریت داشت. (لناری، ص ۲۰۴)

وی بر روی درخت اَمَلداس (اهداس) (نوعی درخت طبی) که در باغی نزدیک منزل مسکونی‌اش بود یک آشیانه علمی ساخته بود و هر روز صبحگاهان در بالای آن درخت به ثبت و ضبط افکار و اندیشه‌های خود می‌پرداخت. (فرزانه پور، ص ۹۲)

در بررسی زندگی و خدمات علمی وی، سه محور اساسی به چشم می‌آید:

۱. تالیفات ادبی و علمی: خدمات علمی و ادبی وی چنان شگرف و فراوان بوده است که سید پیر حسام الدین راشدی معتقد است اگر میرزا قلیچ بیگ از بیست سالگی شروع به تألیف کتاب یا سرودن شعر کرده باشد با توجه به ۴۵۷ جلد کتابی که نوشته است به طور قطع در مدّت ۵۷ سال روزانه ۵۰ صفحه تألیف و تصنیف و ترجمه داشته است. (فرزانه پور، ص ۹۴)

کتب و آثاری که از وی به جا مانده است به شرح زیر می‌باشد:

ادبیات سندی ۳۸۵ جلد، ادبیات انگلیسی ۴۱ جلد، ادبیات فارسی ۲۲ جلد، ادبیات عربی ۳ جلد، ادبیات اردو ۵ جلد، ادبیات بلوچی ۱ جلد. (غلام محمّد لاکو،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ، ۲۰۰۹، ص ۱۶۷؛ لناری، ص ۲۰۷؛ فرزانه‌پور، ص ۹۴- ۹۵)

تعداد محدودی از کتب و تألیفات وی به چاپ رسیده است که بیشتر آنها به سندی است، و دیگر کتب وی که چاپ نشده در کتابخانه شخصی‌اش در محله تندوتورو موجود است.

۲. بنیانگذاری ادبیات جدید سندی: وی بنیانگذار ادبیات جدید سندی است.

۳. زبان دانی وی: وی به ۶ زبان آشنایی کامل داشته است، و اگر شعر ترکی وی را نیز لحاظ نماییم، بر ترکی نیز مسلط بوده است. به خاطر این تبحر در زبان‌های مختلف به وی لقب «شکسپیر سند»، «سعدی سند»، «عمر خیام سند»، «پدر ادبیات سند» داده‌اند.

وی مقالات بیکن و رمان و داستان‌های شکسپیر را از انگلیسی، و گلشن راز شیخ محمود شبستری و کیمیای سعادت امام محمد غزالی و رباعیات عمر خیام را از فارسی به سندی برگردانده است. (فرزانه‌پور، ص ۹۴- ۹۵)

وی زندگی خود نوشتی نیز دارد که در ۱۳۴۲ هـ/۱۹۲۳م به سندی قلمی نموده و آن را «برگ سبز و دفتر سیاه» نامیده است. (لناری، ص ۲۰۴)

در ۱۳۴۳هـ/۱۹۲۴م به مناسبت خدمات شایسته وی به ادبیات سندی و انگلیسی، دولت بریتانیا به وی نشان «شمس العلماء» را اعطاء نمود. (فرزانه‌پور، ص ۹۵)

وی در ۳ ژوییه ۱۹۲۹ م/۱۳۴۸ هـ در سن ۷۷ سالگی درگذشت. (لناری، ص ۲۰۶)

وی قبل از مرگ آرامگاه ابدی خود را ساخته بود، و شب‌های جمعه در آن قدم می‌نهاد، و خدا را یاد می‌نمود. کتابچه «ذکر الموت» را ترتیب داده بود که برای هر سال از عمر خود شعری به زبان فارسی سروده، و وصیت کرده بود که آخرین شعر این کتابچه را روی سنگ قبرش حک کنند. این شعر چنین است:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

عمرم به همین سال چو هفتاد شد و هفت
آمد ملک الموت ز درگاه حق آخر
گفتا که بسی زیستی در منزل دنیا
شو عازم عقبی که ببینی رخ داور
از فرط مسـرّت زدم آهی و بمردم
در عالم ارواح رسیدم دم دیگر
تاریخ وفاتم چو دلم خواسته از غیب
هاتف ز کرم کرد ندا «بخت موقر[1]»
از فرط مسـرّت زدم آهی و بمردم
در عالم ارواح رسیدم دم دیگر

(فرزانه‌پور، ص ۹۴– ۹۵، و ر.ک: فائزه زهرا مرزا، مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ، ۲۰۰۹، ص ۶۶)

اما از مهمترین آثار وی در موضوع قرآن می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱. تواریخ القرآن و الحدیث به زبان سندی که در ۱۹۲۳ م (حدود ۱۳۴۲ هـ) به قلم آمده است. (لناری، ص ۲۰۷)

با توجه به تاریخ نگارش این اثر، روشن می‌گردد که تألیف این اثر مقدّم بر تألیف ابو عبدالله زنجانی است، زیرا چنانکه گذشت تألیف ابوعبدالله زنجانی حاصل سفر وی به قاهره در سال ۱۳۵۴ هـ بوده، در حالی که کتاب شمس العلماء ۱۲ سال قبل از نگارش زنجانی سامان یافته است.

این کتاب به زبان سندی است و اطلاعات بیشتر از آن در دست نیست. امیداوریم به زودی این کتاب به زیور نشر آراسته گردد.

۲. علامات القرآن، تألیف سال ۱۸۸۸ م. (لناری، ص ۲۰۶)

۱. ۱۳۴۸ هـ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

۳. مفتاح القرآن تألیف ۲۴ جمادی الثانی سال ۱۳۰۴هـ شمس العلما در مورد این اثر خود می‌گوید: «تلاوت آن کتاب عالی مآب ابتدا نهادم، و هر کیفیت خاص سوره به سوره، و آیه به آیه به نظر می‌رسید در بیاض خود درج می‌کردم، تا که بعد مشقّت تمام به انتهایش رسانیدم. من بعد جمله مضامین را به ترتیب حروف تهجی علی حده جمع آوردم، چنانچه قاعده لغات است، و آن را مسمی به اسم مفتاح القرآن کردم.» (لناری، ص ۲۰۹)

۴. اخلاق القرآن و الحدیث، تألیف سال ۱۹۰۴ م. (لناری، ص ۲۰۷)

۵. اشعار القرآن، تألیف سال ۱۹۰۹ م. (لناری، ص ۲۰۷)

نتیجه‌گیری

آنچه از زندگی و آثار شمس العلماء میرزا قلیچ بیگ به دست می‌آید این است که به نقش وی در تاریخ قرآن نویسی توجّه نشده است. این در حالی است که اثر وی با عنوان «تواریخ القرآن و الحدیث» به روشنی گویاست که وی در این زمینه دست به قلم شده است. بنابراین وی از جمله دانشمندان مسلمانی است که سالها پیش از نولدکه آلمانی و ابو عبدالله زنجانی در این زمینه تألیف مستقلی سامان داده است. از آنجایی که اثر وی به زبان سندی است، بررسی بیشتر این اثر نیازمند دسترسی به نسخه این اثر و آشنایی با این زبان است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]

منابع

۱. بدوی، عبد الرحمان. موسوعه المستشرقین. بیروت، دار العلم للملایین، سوم، ۱۹۹۳ م.

۲. بگهیو، محمّد قاسم، وجوکیو، الطاف حسین، ومیگهوار، فلو کی. مجموعه مقالات همایش میرزا قلیچ بیگ. سند: دانشگاه سند، اوّل، ۲۰۰۹ م.

۳. بل، ریچارد. درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری و بازنگاری مونتمگری وات، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، اوّل، ۱۳۸۲ش.

۴. بهشتی، محمّدرضا. مدخل تاریخ قرآن (دانشنامه جهان اسلام)، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، اول، ۱۳۷۵ش.

۵. خرمشاهی، بهاء الدین. دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. تهران: ناهید و دوستان، اوّل، ۱۳۷۷ش.

۶. خویی، سیّد ابو القاسم. البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار الزهراء، چهارم، ۱۳۹۵ هـ/ ۱۹۷۵ م.

۷. دانشمند، فاطمه. حقیقت تاریخ قرآن. رشد آموزش قرآن، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۸۷ ش، ۵۲– ۵۵.

۸. عزّت دروزه، محمّد. تاریخ قرآن. ترجمه محمّد علی لسانی فشارکی، قم: زیّنی، اوّل، ۱۳۹۱ ش.

۹. رامیار، محمود. تاریخ قرآن. تهران: امیر کبیر، ششم، ۱۳۸۴ ش.

۱۰. رحیمی ریسه، احمد رضا. تاریخ قرآن نولدکه– شوالی. سفینه، شماره ۱، ۱۶–۳۰.

۱۱. سپهری، محمّد. تاریخ قرآن نویسی. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۷ ش، ۱۲۷–۱۴۴.

۱۲. صغیر، محمّد حسین علی. خاورشناسان و پژوهشهای قرآنی. ترجمه محمّد صادق شریعت، تهران، مؤسسه مطلع الفجر، اوّل، ۱۳۷۲ ش.

۱۳. طباطبایی، سیّد محمّد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۱۴. طباطبایی، سیّد محمّد حسین. قرآن در اسلام، مشهد، طلوع.

۱۵. فرزانه‌پور، رشید. شرح احوال و آثار شمس العلما خانبهادر میرزا قلیچ بیگ. کتابداری، دفتر ۳۸، ۱۳۸۱ ش، ۹۱–۹۵.

۱۶. لناری، کل‌حسن. معرفی احوال و آثار شمس العلما میرزا قلیچ‌بیگ. دانش، شماره ۵۸–۵۹، ۲۰۳–۲۱۲.

۱۷. محمّدی، محمّد حسین. تاریخ قرآن. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، اوّل، ۱۳۸۵ش.

۱۸. معارف، مجید. تأمّلی در معنا و شکل‌گیری علم تاریخ قرآن در پرتو معرفی کتاب درسی تاریخ قرآن نوشته آیت الله معرفت ;. سخن سمت، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۷ ش، ۱۱۷–۱۲۸.

۱۹. معرفت، محمّد هادی. تاریخ قرآن ، تهران: سمت، نهم، ۱۳۸۶ ش.

۲۰. مهدوی‌راد، محمّد علی. سیر نگارش‌های علوم قرآنی. تهران: هستی نما، اوّل، ۱۳۸۴ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.13.9]